دوشنبه ۹ مهر ۱۴۰۳
۵۱۴
شماره ۴۲۴۰
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

حبیب ایل‌بیگی در گفت‌وگو با مجله تصویری «قاف»:

بسیاری از تهیه‌کنندگان ما سرمایه‌گذارند نه اهل فرهنگ

مجله تصویری «قاف» که بنا دارد از قاب گفت‌وگو با اهالی فرهنگ و هنر به خصوص سینما و تلویزیون، به مسائل مهم، تاریخی و روز مخاطبان فرهنگ بپردازد، در یکی از قسمت‌هایش میزبان حبیب ایل‌بیگی، معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی بود. متن گفت‌وگوی اکبر نبوی با وی را که به صورت ویدئو در بستر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است، در ادامه از نظر می‌گذرانید.

بنام و یاد او که همه است، در این دفتر از مجله تصویری قاف، لازم می‌دانم نکته‌ای را خدمت‌تان عرض کنم. البته در برنامه و دفتری دیگر هم این را گفته بودم. مجله تصویری قاف با مشارکت روزنامه «فرهیختگان» و من تولید می‌شود. درواقع دوستان دست‌اندرکار فرهنگی خود را برای کمک به تهیه و تولید این مجله تصویری در عمل به اثبات رسانده‌اند. از این جهت از آنها سپاسگزارم. می‌خواهم در این دفتر از مجله قاف دارایان با سینمای امروز کشور از منظری دیگر با شما صحبت کنیم. طی چندین و چند دفتر از مجله قاف با مهمانانی ازجمله کارگردان‌ها و چند تن از تهیه‌کنندگان و فیلمنامه‌نویسان که اینجا تشریف آورده‌اند و دعوت بنده را پذیرفته‌اند، در ارتباط با رشته‌های این روزها و سال‌ها گفت‌وگویی داشته‌ایم. از منظر آنها تحلیل و گفتارشان را شنیده‌ایم و برای شما منتشر کرده‌ایم. یک نوبت هم آقای اسماعیلی، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی تشریف آوردند که بایشان در ارتباط با سینما صحبت کردیم. البته موضوعات مختلفی مطرح شد اما طبیعتا تمرکز بحث‌مان به دلایلی، بیشتر به سمت‌وسوی سینما رفت. ما در حوزه‌های مختلفی که وزارت ارشاد متولی آن است، کمتر صحبت کردیم مثل تئاتر، موسیقی و بیشتر روی حوزه سینما تمرکز داشتیم. در این دفتر نیز می‌خواهیم در ارتباط با سینما با شما صحبت کنیم. اما از منظر کلی‌تر از مدیران سازمان سینمایی؛ دوست عزیزم حبیب ایل‌بیگی که همین جا به ایشان خوشامد می‌گویم. آقای ایل‌بیگی بفرمائید خوش آمدید.

بسم الله الرحمن الرحیم. من هم خدمت جنابعالی سلام عرض می‌کنم. امیدوارم که گفت‌وگوی خوبی داشته باشیم.

ان شاءالله. آقای ایل‌بیگی، در ارتباط با سینمای این سه‌سال گپ‌وگفت زیاد است. از منظرها و دریچه‌های گوناگون درباره‌ به‌اصطلاح- سیاست‌صحبت، نقد و اعتراض فیلم‌هایی که به نمایش درمی‌آیند و واکنشی که مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد دارند. حالا نوعی ازفدوی زنگی دیده‌ می‌شود به‌خاطر فریش بالای فیلم‌ها و موضوعاتی از این قبیل. بیشتر می‌خواهیم درنهایت این دو سه سال با شما صحبت کنیم. شما سال‌ها است در حوزه سینما فعالید. من ایل‌بیگی را سال ۱۳۷۴ شناختم. آن موقع مدیر روابط عمومی انجمن سینمای جوانان ایران با انجمن سینمای جوان ایران بود، درست می‌گویم؟

سال ۱۳۷۶ بود. من سال ۱۳۷۴ در سینما فیلم حضور داشتم.

در تمام این سال‌ها ایل‌بیگی از سینما خارج نشده و عضو این خانواده بوده است، درنتیجه من می‌خواهم بدون ملاحظه و محافظه‌کاری‌های رایج با هم گپ بزنیم.

خیلی‌خوب. بسم الله الرحمن الرحیم. من از سال ۱۳۷۲، ۳۰ سال است که در این خانواده کار می‌کنم. در اداره نظارت و ارشیابی آغاز به کار کردم، از آنجا رفتم و بعد از ۲ سال به همین جا برگشتم. در سه سال گذشته هم دوباره به همین مسئولیت بازگشتم. در دوره‌های مختلف کار کردم؛ با وزرا، با معاونان وزیر در حوزه سینما و رؤسای سازمان سینمایی. در جاهای مختلف مثل شورای عالی تئاتر، شورای موسیقی، جشنواره فجر، جشنواره فیلم‌های کودک‌ونوجوان و... با هم همکار بودیم. طی این سال‌ها در این جاها کار کردم. سال ۱۴۰۰ که دوسال بود دوران کرونا بی‌گذراندیم و هنوز هم معلوم نبود کی تمام خواهد شد. آقای خزاعی به هم گفت بیائید شما را بنیاد فارابی دوباره برگردید به حوزه نظارت. من به ایشان عرض کردم که کار سختی است و اگر امکان دارد من این مسئولیت را نمی‌پذیرم. به‌هرحال شرایط طوری شد که باید می‌آمدم و فکر می‌کنم یکی از متفاوت‌ترین دوران مدیریتی سینمایی در بعد از انقلاب است. به‌عبارت دیگر در این سه‌سال به دلیل مسائل متفاوت مثل دوسال تعطیلی کرونایی که پیش آن از در سینماها داشتیم، برای اداره سینما شرایط متفاوتی بود. درحقیقت مردم به دلیل کرونا به سینما نمی‌رفتند و با شرایط حمایتی سینماها باز مانده بودند. همچنین به‌دلیل حجم زیاد فیلم‌هایی که از بهمن ۱۳۹۸ تا آن زمان در صف اکران بودند و تعداد زیادی فیلم در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ پرونده ساخت گرفته بودند. به عبارت دیگر روند صدور پروانه ساخت و تولید تعطیل نشده بود. ما با بیش از ۲۰۰ فیلم مواجه بودیم که روی دست‌مان مانده بود؛ سرمایه‌هایی که صاحبان‌شان می‌خواستند اتفاقی برایشان بیفتد. خوشبختانه اختلاف کمتر شد، شورای صنفی شکل گرفت، در کل این شورا کمی فضا را متعادل کرد. درنهایت شورای صنفی نمایش یکی از بهترین دوره‌ها را بدون حاشیه، با همفکری و تعامل در دوسال گذشته تجربه کرد و سینما از آن وضعیت نگران‌کننده درآمد.

آیا شورای صنفی نمایش، سازمان سینمایی و تهیه‌کنندگان از این نوع نوزیع آثار برای نمایش راضی بودند؟

بله، شورا در دوسال گذشته یکی از بهترین دوره‌های خود را داشت. از تاریخ تأسیس شورا در خرداد یا تیر ۱۴۰۱، اعضای شورا با همفکری و تعامل مشکلات رابه خوبی مدیریت کردند. وضعیت سینما به‌تدریج بهبود یافت و از نگرانی‌ها کاسته شد. درنیمه اول سال ۱۴۰۱ با چندماه‌ی مناسب، اکران فیلم‌های اجتماعی برگزار شد و یکی از پربیننده‌ترین دوره‌های محرم و صفر را داشتیم. در نیمه دوم سال ۱۴۰۱ شرایط به‌گونه‌ای پیش رفت که همه برنامه‌ریزی‌هایی که شورای صنفی نمایش با همفکری دیگر اعضا کرده بودند، به‌دلیل اینکه بسیاری از صاحبان فیلم‌ها تمایل به اکران فیلم‌هایشان نداشتند، به‌هم ریخت. ششم مهرماه قرار بود فیلم‌ها اکران شوند، ما بسته بسیار خوبی از فیلم‌های اجتماعی و دیگر ژانرها تدارک دیده بودیم. به‌گمان‌مان این اکران می‌توانست یک اکران بسیار خوب و پرفروش باشد، چون می‌توانست همه گروه‌ها را به خود جذب کند.

به چه دلیل؟ به‌دلیل تعارض با سازمان سینمایی؟

خیر، به این دلیل که از خارج از ایران به تحریم سینماها و محافل هنری تشویق می‌کردند. این مسائل به اینجا انجامید که بسیاری از تهیه‌کنندگانی که فیلم‌هایشان در نوبت اکران بودند، آنها را نداده و ما برای تعطیل نشدن دوباره سینما پس از کرونا، دو فیلم را ضمانت کردیم که درصورت فروخته نشدن این دو فیلم خسارات‌شان را بپردازیم. البته طی جلساتی که با دوستان سینماداور و رؤسای صنوف داشتیم، پیش‌بینی می‌کردند دیگر سینما تعطیل شده و دولت اگر خواستار باز شدن سینماهاست باید چندصدمیلیارد پول برای اکران هر فیلم هزینه کند. درحقیقت منظورشان این بود که «چراغ سینما را خودتان روشن کنید، مردم دیگر به سینماها نمی‌آیند». صراحتا تحلیل آنها این بود و امیدی به برگزار کردن این جلسات نداشتند. در پایان سال ۱۴۰۱ صنف پخش‌کنندگان و سینماداران و نماینده‌ای به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفتند: «ما مجبور به بستن سینماهاییم، مگر اینکه پول زیادی را برای حمایت و باز نگه‌داشتن سینماها به ما بدهید.»

این بیان یک واقعیت بود یا یک باج خواهی بود؟

به‌گمانم یک تحلیل غلط بود. ما امیدوار بودیم و تلاش می‌کردیم. به ما می‌گفتند این شورا بود. درکلی اختلاف‌هایی میان صنوف سینمایی و سازمان‌ها به‌وجود آمد.

اگر سازمان سینمایی این تصمیمات را اعلام می‌کرد به جای شورای صنفی، انجام تشریفات به حساب می‌آمد، یعنی تغییر آن نقیرب ماموی محسوب می‌شد؟

در آن زمان، ما هفت سرگروه سینما داشتیم و هفت فیلم را انتخاب کرده بودیم. از قضا شش فیلم با انتخاب شورای صنفی هم پوشانی داشت، اما در مورد یک فیلم اختلاف نظر داشتیم. تحلیل ما این بود که برای موقعیت اکران نوروزی، نیاز به یک فیلم کمدی دیگر داریم تا بازگشت مردم به سینما را تضمین کند، چون سال‌های سینما الوکوموتیو سینماباید و اگر به حرکت درآیند، سایر بخش‌ها نیز به‌دنبالش حرکت خواهند کرد و چراغ سینما روشن می‌شود. ما معتقدیم این فیلم کمدی می‌تواند درمان پخش‌کنندگان، صاحبان فیلم‌ها و مردم اسیدواری ایجاد کند. اگر این فیلم کمدی در اکران نوروزی وجود نداشت، اکران نوروز ۱۴۰۱- که می‌توانست امید را به سینما برگرداند- شکست می‌خورد. اتفاقاتی افتاد که موجب شد یکی از فیلمسازان خوب کشورمان مرحوم مهرجویی تصور کند قرار است از اکران فیلم‌شان جلوگیری شود. وبدئویی در این مورد منتشر کرد که بسیار غم‌انگیز بود. بااین‌حال با هماهنگی‌هایی که انجام شد، اعلام کردیم فیلم ایشان در اکران عید فطر به‌نمایش درخواهد آمد و به‌جای آن، فیلم کمدی مورد نظر انتخاب شد. اگر اشتباه نکنم فیلم «سگ‌بیت» انتخاب شد. این فیلم کمدی نقش مهمی در موفقیت اکران نوروزی داشت و اگر نبود، اکران نوروز ۱۴۰۱ به شکست می‌انجامید.

خوشبختانه این شورا توانست فضا را متعادل کند و اختلافات کم‌کم حل شد. طبق آیین‌نامه‌ها و رویه‌ها، اکران نوروزی در اختیار سازمان سینمایی است، همچنین اولویت اکران نوروزی با فیلم‌هایی بود که در جشنواره فجر نمایش داده می‌شدند. امری که در یکی دوسال گذشته هم اتفاق افتاده است. این وسط چالش این بود که صنوف، نمایندگان‌شان را معرفی نکردند و شورای صنفی تشکیل نشد. خود این مسائل در آغاز کار برای مدیریت می‌تواند دردسر ایجاد کند. اتفاقا تمام تلاش ما این بود که در تعامل با صنوف سینمایی کارها را پیش ببریم. در اسفند ۱۴۰۰ با توجه به شرایطی که در دوسال کرونا داشتیم، جمعی از تهیه‌کنان، صنوف و بزرگان سینمای ایران را برای فکر کردن به آینده سینمای ایران تشکیل دادیم و شورای راهبردی اکران را راه‌اندازی کردیم. بالاخره دوسال سینماداره‌ها تمام مشاغل مربوط به سینما با ضرر مواجه شده بودند. خوشبختانه اختلاف کمتر شد، شورای صنفی شکل گرفت، در کل این شورا کمی فضا را متعادل کرد. درنهایت شورای صنفی نمایش یکی از بهترین دوره‌ها را بدون حاشیه، با همفکری و تعامل در دوسال گذشته تجربه کرد و سینما از آن وضعیت نگران‌کننده درآمد.

آیا شورای صنفی نمایش، سازمان سینمایی و تهیه‌کنندگان از این نوع نوزیع آثار برای نمایش راضی بودند؟

بله، شورا در دوسال گذشته یکی از بهترین دوره‌های خود را داشت. از تاریخ تأسیس شورا در خرداد یا تیر ۱۴۰۱، اعضای شورا با همفکری و تعامل مشکلات رابه خوبی مدیریت کردند. وضعیت سینما به‌تدریج بهبود یافت و از نگرانی‌ها کاسته شد. درنیمه اول سال ۱۴۰۱ با چندماه‌ی مناسب، اکران فیلم‌های اجتماعی برگزار شد و یکی از پربیننده‌ترین دوره‌های محرم و صفر را داشتیم. درنیمه دوم سال ۱۴۰۱ شرایط به‌گونه‌ای پیش رفت که همه برنامه‌ریزی‌هایی که شورای صنفی نمایش با همفکری دیگر اعضا کرده بودند، به‌دلیل اینکه بسیاری از صاحبان فیلم‌ها تمایل به اکران فیلم‌هایشان نداشتند، به‌هم ریخت. ششم مهرماه قرار بود فیلم‌ها اکران شوند، ما بسته بسیار خوبی از فیلم‌های اجتماعی و دیگر ژانرها تدارک دیده بودیم. به‌گمان‌مان این اکران می‌توانست یک اکران بسیار خوب و پرفروش باشد، چون می‌توانست همه گروه‌ها را به خود جذب کند.

به چه دلیل؟ به‌دلیل تعارض با سازمان سینمایی؟

خیر، به این دلیل که از خارج از ایران به تحریم سینماها و محافل هنری تشویق می‌کردند. این مسائل به اینجا انجامید که بسیاری از تهیه‌کنندگانی که فیلم‌هایشان در نوبت اکران بودند، آنها را نداده و ما برای تعطیل نشدن دوباره سینما پس از کرونا، دو فیلم را ضمانت کردیم که درصورت فروخته نشدن این دو فیلم خسارات‌شان را بپردازیم. البته طی جلساتی که با دوستان سینماداور و رؤسای صنوف داشتیم، پیش‌بینی می‌کردند دیگر سینما تعطیل شده و دولت اگر خواستار باز شدن سینماهاست باید چندصدمیلیارد پول برای اکران هر فیلم هزینه کند. درحقیقت منظورشان این بود که «چراغ سینما را خودتان روشن کنید، مردم دیگر به سینماها نمی‌آیند». صراحتا تحلیل آنها این بود و امیدی به برگزار کردن این جلسات نداشتند. در پایان سال ۱۴۰۱ صنف پخش‌کنندگان و سینماداران و نماینده‌ای به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفتند: «ما مجبور به بستن سینماهاییم، مگر اینکه پول زیادی را برای حمایت و باز نگه‌داشتن سینماها به ما بدهید.»

این بیان یک واقعیت بود یا یک باج خواهی بود؟

به‌گمانم یک تحلیل غلط بود. ما امیدوار بودیم و تلاش می‌کردیم. به ما می‌گفتند «چرا برای بازنگه‌داشتن سینماها تلاش می‌کنید؟ مردم دیگر به سینماها نمی‌آیند». امروز در دیاری که با تهیه‌کننده، فیلم «ملاقات خصوصی» داشتم، به او گفتم: «بادتان است، هر دو روز یک‌بار به‌مدت یک‌ماه من خواستم رضایت شما را برای اکران فیلم‌تان جلب کنم؟» و الان از آن شورا عبور کردیم و الحمدلله سینماها باز است و رونق دارد. به اینجا رسیدیم که اکران نوروز ۱۴۰۲ باز خیلی از تهیه‌کنندگان برای اکران فیلم‌هایشان نمی‌آمدند، ابراز نگرانی می‌کردند. ما دو فیلمی که اکران خوبی را پشت سر گذاشته بودند را برایشان مثال می‌زدیم. حتی تهیه‌کننده فیلم «فسیل» که یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های چندسال اخیر است هم حاضر به اکران نبود و برای اکران، تضمین می‌خواست. ما در جواب گفتیم که تضمین نمی‌دهیم، اما حمایت می‌کنیم. شورای صنفی هم باتوجه به شرایط درخواست داشتند که نسبت به آیین‌نامه اقتضایی عمل کنند. مثلا مسائلی را مانند «کف فروش» و «تعویض فیلم‌ها» تا رسیدن به شرایط عادی اجرا نکنند. ما هم برای زنده‌نگه‌داشتن سینماها، این اجازه را به آنها دادیم.

برای این امر زمان تعیین کردید؟

تا پایان ۱۴۰۲ این مساله ادامه داشت. سعی شد که فیلم‌های اجتماعی هم اکران شود، اما هرحال مثل همیشه توجه مخاطبان سینما به فیلم‌های کمدی بیشتر بود. به‌گمانم باید پژوهشی درخصوص توجه زیاد مردم به فیلم‌های کمدی در آن زمان، انجام شود. خودمان دنبال جواب این مساله بودیم. البته برخی اوقات که دفتی درزمان اکران هم مزید بر علت دید دشمنان برخی از فیلم‌ها بود. کما اینکه این را با چند فیلمساز مرور کردیم. اعضای شورای صنفی گزارش ها را از سینماها گرفتند که فیلم‌ها ساس داشتند اما مردم نمی‌رفتند.

در همان ایامی که شما می‌فرمایید، وضعیت دیده‌شدن آثار در شبکه نمایش خانگی چگونه بود؟ خوب بود؟

خوب بود.

این مسائل را باید کنار هم گذاشت و تحلیل کرد. یعنی ظاهرا ذرات مردم در عدم استقبال از آثار عیرکمدی دارای یک پیام است.

یکی از تحلیل‌هایی که در این زمینه مطرح می‌شود، این است که مخاطبان به تدریج به تفکیک مصرف‌شان مورد علاقه خود روی آورده‌اند. به عنوان مثال، با توجه به افزایش تولید سریال‌های اجتماعی در شبکه نمایش خانگی، به نظر می‌رسد که مخاطبان تمایل دارند آثار اجتماعی را در پلتفرم‌های آنلاین تماشا کنند. از سوی دیگر، آنها برای تماشای فیلم‌های کمدی به سینما می‌روند تا در کنار دیگران به این آثار لذت بخش واکنش نشان دهند. یکی از جذابیت‌های تماشای فیلم کمدی در سینما، تجربه لذت جمعی و خندیدن همزمان با سایر مخاطبان است؛ تجربه‌ای که در فضای خانگی به طور کامل قابل جایگزینی نیست. این تغییر در الگوی تماشای فیلم و سریال می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. یکی از این دلایل، حجم بالای تولید سریال‌های اجتماعی جذاب و درگیرکننده در شبکه نمایش خانگی است که باعث شده مخاطبان بخش قابل توجهی از وقت خود را صرف تماشای این آثار کنند.

من از زاویه دیگری اشاره کردم. شاید در آن دوره، مردم سینمارفتن را به عنوان نوعی حمایت از صنعت سینما تلقی می‌کردند؛ صنعتی که به نظر می‌رسید تحت حمایت دولت است. با توجه به تحولات اجتماعی و هیجانات آن دوران، این تصور در ذهن مردم شکل گرفته بود که سینمارفتن به نوعی تقویت دولت محسوب می‌شود. به همین دلیل، ممکن است برخی افراد از رفتن به سینما خودداری می‌کردند و این رفتار را به سایر حوزه‌های زندگی نیز تعمیم می‌دادند.

طبیعی است که محدودیت‌هایی که در سال ۱۴۰۱ اعمال شد، بر رفتار مخاطبان سینما تأثیرگذار بوده باشد. در آن دوره، به نظر می‌رسید که برخی محدودیت‌ها، به‌طور غیرمستقیم، مردم را از حضور در سینما و جشنواره‌ها منع می‌کرد. در مقابل، دسترسی آسان به پلتفرم‌های خانگی، امکان تماشای فیلم را در خانه فراهم می‌آورد. اما با گذشتن این محدودیت‌ها در سال ۱۴۰۲، شاهد افزایش چشمگیر حضور مخاطبان در سینما بودیم. این نشان می‌دهد که مردم از محدودیت‌ها خسته شده بودند و با برداشته شدن آنها، تمایل زیادی به بازگشت به سینما پیدا کردند. چنین واکنشی نشان از علاقه دائمی مردم به تجربه جمعی تماشای فیلم در سینما دارد.

ولی فقط فیلم‌های کمدی!

در سال ۱۴۰۲، شاهد اکران چند فیلم اجتماعی بودیم که به طرز قابل توجهی مورد استقبال مخاطبان قرار گرفتند. البته، به طور کلی فیلم‌های کمدی در ایران و بسیاری از کشورهای دیگر، فروش بیشتری دارند.

البته موفقیت فیلم‌های کمدی در جدول نمایش ماهانه به ژانرهای دیگر هم بستگی دارد. برای مثال، اگر مهرمان ملودرام‌های عاشقانه یا فیلم‌های علمی‌تخیلی نمایش داده شوند، ممکن است از رونق فیلم‌های کمدی کاسته شود. همچنین اگر فیلم‌های پلیسی -اکشن یا حادثه‌ای قوی و جذابی در سینماها باشد، ممکن است مخاطبان بیشتری را به خود جذب کرده و از محبوبیت فیلم‌های کمدی بکاهد. به عبارت دیگر، تنوع ژانرها در جدول نمایش ماهانه سینما می‌تواند بر عملکرد تجاری فیلم‌های کمدی تأثیرگذار باشد.

آقای نبوی، این موفقیت به شرط آن است که تنوع ژانری در تولیدات‌مان داشته باشیم. همان طور که در سال ۱۴۰۲ مشاهده کردیم، دو فیلم انیمیشن ایرانی «پسر دلقبنی» و «بچه بزرگ»، توانستند به فروش بسیار بالایی دست یابند و حتی در برخی مقاطع، در صدر جدول پرفروش‌ترین فیلم‌ها قرار گیرند.

فروش‌شان واقعی بود؟

بله! این دو انیمیشن در سال ۱۴۰۲ جزء پرفروش‌ترین فیلم‌های انیمیشن کشور بودند. حتی فیلم اجتماعی «سه کام حبس» نیز فراتر از انتظار تهیه‌کنندگان و پخش‌کنندگانش فروش داشت. با این حال، در ژانرهای دیگری که شما اشاره کردید، همچون فیلم‌های علمی‌تخیلی، تولیدات قوی و قابل‌توجهی نداریم. در ژانر ملودرام نیز، اگرچه فیلم‌هایی مانند «ملاقات خصوصی» یا ترکیبی از درام اجتماعی و عاشقانه ساخته شده‌اند، اما فیلم‌های پرفروش در این ژانر کمتر تولید شده است. برای مثال، فیلم ملاقات خصوصی که از دی ماه ۱۴۰۱ تا اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۲ پخش شد، با وجود تلخی داستان، به دلیل داشتن المان‌های عاشقانه مورد استقبال مخاطبان قرار گرفت.

چون ملودرام بود، تلخی‌اش برای مخاطب قابل اغماض بود. بالاخره یکی از انتظارات ملودرام همین است.

خوشبختانه سینمای ایران توانست از این بحران‌ها عبور کند. نامه‌ای که در ایام نوروز ۱۴۰۲ توسط پخش‌کننده‌ها و سینماداران به وزیر ارشاد نوشته شد، نشان از بهبود شرایط داشت. سالن‌داران در نوروز ۱۴۰۳ اعلام کردند که بسیاری از بدهی‌ها و مشکلات ناشی از کرونا برطرف شده و حتی به سود دهی رسیده‌اند. این پیام مثبتی برای جذب سرمایه‌گذاران به صنعت سینما بود. یکی از اقدامات مثبت دولت در این زمینه، سفرهای استانی و بررسی امکان احیای سالن‌های سینما در شهرهای مختلف بود. بسیاری از سالن‌های نیمه‌کاره یا غیرفعال، با وجود صرف هزینه‌های هنگفت، به دلیل تغییر کاربری، به سینما تبدیل نشده بودند. با تغییر کاربری این سالن‌ها و بهینه‌سازی آنها، می‌توان به اقلیمی از تعداد سالن‌های سینما در کشور کمک کرد. شورای عالی سینما نیز مصوبه‌ای مبنی بر تأسیس سینماها در شهرهای بالای صد هزار نفر جمعیت تصویب کرد که امیدوارم به در دولت‌های آینده نیز پیگیری شود. این اقدام می‌تواند به افزایش دسترسی مردم به سینما و رونق صنعت سینما کمک کند.

همان طور که اشاره کردیم، نامه سینماداران در آستانه نوروز ۱۴۰۳ نشان از رضایت آنها از بهبود شرایط و پرداخت بدهی‌ها داشت. به نظر می‌رسد بخشی از اختلاف‌نظرها درباره وضعیت سینما، ناشی از تمرکز بیش از حد وزارت ارشاد و سازمان سینمایی بر رفع مشکلات سالن‌داران در دوران کرونا باشد. طبیعی است که در آن شرایط دشوار اولویت اصلی رفع مشکلات منجر به غفلت نسبی از جنبه‌های فرهنگی و هنری سینما شد.

نه اتفاقا!

دلیل تاکید من بر این نکته موفقیت اخیر فیلم‌های کمدی در سینماست. همه ما از رونق سینما و فروش بالای فیلم‌ها خوشحالیم. زیرا این امر به پایداری صنعت سینما و بهبود وضعیت سینماداران کمک می‌کند. اما آیا سینما تنها به فیلم‌های کمدی محدود می‌شود؟ آیا سایر ابعاد فرهنگی سینما باید نادیده گرفته شود؟ درحالی‌که بر فروش بالای فیلم‌های کمدی تاکید می‌شود، به نظر می‌رسد سایر ژانرهای سینمایی و جنبه‌های فرهنگی سینما کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

شاید به دلیل اشاره مکرر من به جدول، زمانی اکران فیلم‌ها در طول این گفت‌وگو، این برداشت ایجاد شده باشد که من تنها به این موضوع می‌پردازم.

همان طور که در این دو سه سال گذشته مشاهده کرده‌ایم تاکید اصلی اظهارات آقای وزیر، آقای خزاعی و سایر مسئولان روی جدول زمانی اکران فیلم‌ها بوده است.

لوکوموتیو باید راه بیفتد. در این دوره بخش‌های مختلف پیش رفت. اما این در آن شش ماه در بدنه رخ نداد، این‌گونه بود که با پیگیری بچه‌های خانه سینما و نماینده‌ای که از دادستانی وجود داشت، پیگیر مسائلی که برای اهالی سینما به وجود آمده بود، بودیم. این فرآیند و تأزامی‌ها فدغه‌ها اصلی ما شده بود. به هر حال وقتی اولویت تغییر می‌کند، ما باید نگران همکاران‌مان و کسانی که در این حیطه در خدمت‌شانیم می‌بودیم. شش ماه از دست ما رفت. در حوزه تولید هم فیلم‌ها کماهش پیدا کرد. این را هالان می‌توانیم بگوییم. خوشبختانه در حال بهتر نبودن که فیلم بسازند. میزان تولیدات و درخواست‌های فیلم کاهش پیدا کرده بود، ۵۰ درصد کاهش پیدا کرده بود. تعداد بررسی فیلمنامه‌ها در آن سال تقریبا نصف شد و به هفته‌ای سه تا چهار فیلمنامه کاهش یافت. اما خوشبختانه در حال حاضر، این تعداد به هفت تا هشت فیلمنامه در هفته افزایش یافته است. تقاضا برای ساخت فیلم بسیار زیاد است و نگرانی‌ها نسبت به آینده سینما کاهش یافته است. با این حال در دوران کرونا بسیاری از سرمایه‌گذاران از سینما فاصله گرفتند و ترجیح می‌دادند در ژانر کمدی سرمایه‌گذاری کنند، ما در شورای پروانه ساخت و پروانه نمایش فیلم‌های کمدی تلاش کردیم به ازای هر فیلم کمدی، ۳ فیلم دیگر را تصویب کنیم. بسیاری از اهالی سینما درگیر حوادث آن دوران شدند و ما تلاش کردیم آنها را حمایت و از آنها مراقبت کنیم. برای مثال، من شخصا برای اولین بار به زندان اوین رفتم تا با آقای پناهی دیدار کنم و پیگیر وضعیت ایشان باشم و برایشان مرخصی گرفتم. این تجربه نشان می‌دهد که در آن شرایط دشوار سینماگران نیاز به حمایت بیشتری داشتند. درحقیقت در آن روزها پایمان به جایی باز شد که تا آن روزها باز نشده بود.

البته آن دسته از سینماگران هم در شرایطی قرار گرفتند که پیش از این تجربه نکرده بودند.

امیدوارم چنین رویداد ناگواری دیگر برای هیچ یک از اهالی فرهیخته سینما تکرار نشود. برنامه‌ریزی‌های دقیق سازمان سینمایی متاسفانه با وقوع این حوادث مختل شد اما ما همواره تلاش کردیم تا روحیه جامعه سینمایی را حفظ کنیم. مساله افزایش سن سینماگران و ورود نسل جدید به سینما چالش‌های جدی برای سینما ایجاد کرده است. تقاضای بالای ساخت فیلم از سوی نسل جدید رقابت را افزایش داده و شرایط کاری نسل پیشین را دشوارتر کرده است. به نظر می‌رسد غفلت از موضوعاتی مانند بیمه بیکاری و بازنشستگی برای سینماگران بر این چالش‌ها افزوده است.

آقای ایل‌بیگی، اجازه دهید کمی از بحث بیمه دور شویم و به موضوع مهم‌تری بپردازیم. آیا سازمان سینمایی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به غیبت چهره‌های شاخص خانه سینما یوران درخشنده، خانم رخشان بنی اعتماد، آقایان علیرضا داودنژاد، عزیز حمیدنژاد و احمدرضا درویش در سینما اعتراض می‌دهند؟ این افراد ستون‌های اصلی سینمای فرهنگی مانند و سرمایه‌های ارزشمند هنری محسوب می‌شوند. بیمه بیکاری و موارد مشابه اهمیت خود را دارند.

اما آیا این تنها دغدغه ماست؟ از دگفت‌وگو با برخی از سینماگران متوجه شدم که آنها از بی‌توجهی به جایگاه و توانایی‌هایشان بسیار ناراحتند. برخی از آنها سال‌هاست بیکارند و علی‌رغم علاقه و انگیزه‌شان فرصتی برای فعالیت پیدا نمی‌کنند. خودم با یک نمونه از این اشخاص صحبت می‌کردم. به نظر می‌رسد تمرکز بیش از حد بر آمار فروش و ارقام باعث شده تا به نیازهای اساسی سینماگران و اهمیت حفظ و حمایت از آنها کمتر توجه شود.

ما در گذشته نیز شاهد تمرکز بیش از حد بر جنبه تجاری سینما بوده‌ایم. همواره تاکید می‌کردم که نمی‌توان تنها براساس فروش فیلم‌ها ارزش یک اثر سینمایی را سنجید. بسیاری از آثار ارزشمند سینمای ایران که امروز به عنوان شاهکار شناخته می‌شوند در زمان اکران با استقبال گسترده روبه‌رو نبوده‌اند.

قطعا! ارزش افزوده هنر، با استقبال مخاطبان سنجیده می‌شود.

بخش قابل‌توجهی از نکات شما درست است. اما باید تاکید کنم که ذغدغه حمایت از سینماگران پیشکسوت و صاحب‌نام همواره وجود داشته است. بسیاری از این سینماگران با آنها گفت‌وگو شده و حتی پروانه ساخت دریافت کرده‌اند. با این حال همان طور که می‌دانید توان حمایتی دولت محدود است، حتی با بسیج تمام ظرفیت‌های نهادهای دولتی مانند فارابی، حوزه هنری، اوج و... به‌سختی می‌توان بیش از ۳۰ درصد از تولیدات سینمای ایران را حمایت کرد.

اجازه بدهید یک بخش از صحبت‌های شما را قبول نکنم. بله، در دوره‌ای که من در فارابی بودم بودجه سالانه آن را می‌دانستم و حتی در کنفرانس خبری اعلام کردم که سینمای ایران برای تولید مناسب به حداقل ۳۰۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد. درحال حاضر این رقم به سه هزار میلیارد تومان رسیده است.

متاسفانه بودجه واقعی بسیار کمتر از این رقم بود. حدود ۳۰ تا ۴۰ میلیارد تومان. بودجه فارابی معمولا بین ۲۷ تا ۳۰ میلیارد تومان بود اما بخشی از آن صرف هزینه‌های اداری می‌شد. با این حال با بررسی هزینه‌های برخی از فیلم‌ها متوجه می‌شویم که تولن مالی برای تولید فیلم‌های پرخرج وجود دارد. برخی فیلم‌ها با بودجه‌ای بیش از صد میلیارد تومان ساخته شده‌اند.

آقای نبوی، یکی از مشکلات اصلی این است که برخی نهادها تمایل دارند تولیدات خود را برجسته کنند و در مقابل، به آثار دیگر کمتر توجه می‌شود. یکی از تهیه‌کنندگان باتجربه، براساس پیشنهادی که از یکی از هدایت‌گرها داشت، به من گفت که برخی سرمایه‌گذاران برای ساخت سریال، بودجه خوبی ارائه می‌دهند اما شرط می‌کنند بخشی از هزینه‌ها با خطوط قرمز آنشا شده و از بروز مشکلات بعدی جلوگیری کنند. البته باید توجه داشت که تهیه‌کنندگان سینما برخلاف سایر حرفه‌ها، در این مورد ملزم به گزراندن دوره‌های آموزشی خاصی نیستند. به همین دلیل، آشنایی آنها با قوانین و مقررات سینما به صورت کامل و یکسان نیست. در دو سال گذشته تلاش‌هایی برای بازنگری آیین‌نامه‌های ساخت و نمایش در شورای عالی انقلاب فرهنگی صورت گرفته اما هنوز این تغییرات نهایی نشده است.

شورای عالی انقلاب فرهنگی که مسئولیت بازنگری این قوانین را برعهده دارد، از سینما و نیازهای آن به اندازه کافی شناخت ندارد! تغییرات اساسی باید از درون سازمان سینمایی آغاز شود. چون سازمان سینمایی با نهیه‌کنندگان و کارگردانان روددروست.

کمیته‌ای متشکل از نمایندگان شورای هنر و کارشناسان سازمان سینمایی تشکیل شد تا در مورد این موضوعات بحث و بررسی کنند. این اقدام از سال ۱۴۰۰ آغاز شد و با توجه به شرایط آن زمان، بررسی‌ها در این زمینه صورت گرفت اما متأسفانه تاکنون به نتیجه قطعی نرسیده‌ایم.

به نظر می‌رسد این کمیته‌ها به نتیجه مشخصی نمی‌رسند. من خودم به‌عنوان عضو حقیقی کمیته سینما در شورای هنر به حکم علی لاریجانی، در دو دوره حضور داشتم. در آن زمان متوجه شدم این کمیته‌ها از وظیفه‌های موجود در سینما فاصله زیادی دارند. ما در این کمیته‌ها درباره مسائلی صحبت می‌کردیم که با دنیای واقعی سینما همخوانی نداشت. درحالی‌که در سینما اتفاقات دیگری در جریان بود و جدا گانه زندگی خودش را می‌کرد. به‌گمان من، سازمان سینمایی باید این وظیفت را بپذیرد که زمانه تغییر کرده است. من شخصا اسال ۱۳۸۴ به جیلی گفتم شورای پروانه ساخت دیگر کاربردی ندارد. این وظیفت دیر یا زود خودش را نشان می‌دهد. بهتر است خودمان را با این وظیفت وفق دهیم و به جای اصرار بر رویه‌های قدیمی، به‌دنبال راهکارهای جدید باشیم. جدا از هنوز هم به پروانه ساخت نیاز داریم؟

برای اینکه آن قانون هنوز بازبرجاست. من به عنوان مدیر دولتی موظف به اجرای آیین‌نامه‌ها و قوانینم. شاید دانستنش برایتان جالب باشد که در زمان دکتر ابویی بحث‌های زیادی در این مورد شد و حتی جلساتی با اهالی سینما برگزار شد تا نظر آنها را در مورد حذف پروانه ساخت جویا شویم. نتایج این نظرسنجی نشان می‌داد اکثر کارگردانان موافق حذف پروانه سا